

منجی موعود در کتاب‌های مقدس

سید اسدالله هاشمی شهیدی

اشاره:

در کتاب‌های مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب‌های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب‌ها به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند، تصریحات زیادی به وجود مقدس مهدی موعود(ع) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آنها از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

الف) کتاب اوپانیساد

در کتاب اوپانیساد که یکی از کتب معتبر و از منابع هندوها به شمار می‌رود، بشارت ظهور مهدی موعود(ع) چنین آمده است:
«این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می‌شود، و شیرین را تماماً هلاک می‌سازد، و خلقت را از نو تجدید، و پاکي را رجعت خواهد داد. . . این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد»^۱.

ب) کتاب باسک

در کتاب باسک که از کتب مقدس آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(ع) چنین آمده است.
«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان، که پیشوای ملانکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد همه را بدست آورد، و از آسمان‌ها و زمین و آنچه باشد خیر دهد، و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید»^۲.

ج) کتاب پاتیکل

در کتاب پاتیکل که از کتب مقدسه هندیان می‌باشد و صاحب این کتاب از اعظم کفره هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی(ع) چنین آمده است:
«چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخرالزمان» و دیگری «صدیق اکبر». یعنی وصی بزرگ‌تر وی که «پشن» نام دارد. و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود، و خلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام».

و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندی و قبر بابا آدم(ع) و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بتخانه «سومنت» را خراب کند. و «جگرنات» [جگرنات به لغت سانسکریت نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می‌دانند] به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند»^۳.

از آن جا که در این بشارت، الفاظ و تعبیری به کار رفته است که امکان دارد برای بعضی از خوانندگان نا مفهوم باشد بعضی از آنها را جهت روشن تر شدن مطلب توضیح می‌دهیم:

۱. مقصود از «ناموس آخرالزمان»، ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله(ص) است.
۲. پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب(ع) است.
۳. صاحب ملک تازه، آخرین حجت خداوند حضرت ولی عصر(ع) است و راهنما، نام مبارک آن حضرت(ع) است که بزرگ‌ترین نماینده راهنمایان الهی و نام مقدس وی نیز، هادی و مهدی و قائم به حق است.
۴. کلمه «رام» به لغت «سانسکریتی» نام اقدس حضرت احدیت (خدا) است.
۵. این جمله «هر که به او پناه برد، و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد» صریح است در این که، حضرت مهدی(ع) جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش - اسلام - دعوت می‌کند.
۶. سومنات، بنا به نوشته دهخدا، در کتاب لغت نامه بتخانه‌ای بوده است در «گجرات». و گویند: سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد، و «منات» را که از بت‌های مشهور است و در آن بتخانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندی است که مفرس شده و آن نام بتی بود، و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است: نمونه قمر، زیرا «سوم»

به لغت هندوی قمر را گویند، و نات، تعظیم است. برای اطلاع بیشتر به لغت نامه دهخدا، ماده «سومنا» مراجعه فرمایید.
۷. و اما «جگرنات» به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می‌دانند.

د) کتاب وشن جوک

در کتاب جوک که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می‌دانند، در باره بشارت ظهور حضرت بقیةالله(ع) و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، چنین آمده است:

«آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین‌ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پامال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزادهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند»^۴.

دو کلمه «فرخنده» و «خجسته» در عربی به (محمد و محمود) ترجمه می‌شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی(ع) می‌باشد، و شاید هم اشاره به «محمد» و «احمد» باشد؛ زیرا در روایات اسلامی وارد شده است که حضرت مهدی(ع) دو نام دارد، یکی مخفی و دیگری ظاهر است، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است «محمد» می‌باشد

ه) در کتاب دید

در کتاب دید که از کتب مقدس هندیان است بشارت ظهور مبارک امام عصر(ع) چنین آمده است:

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود در آورد، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد بر آید»^۵.

در برخی از روایات اسلامی، «منصور»، یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی(ع) خوانده، و آیه شریفه:

و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل إنه کان منصوراً^۶.
و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم. پس [او] نباید در قتل زیاده‌وری کند، زیرا او یاری شده است.
به آن حضرت تفسیر شده، زیرا آن یگانه باز مانده حجج الهی، ولی خون مظلومان و منصور و مؤید از جانب خداوند است.

و) کتاب دادتگ

در کتاب دادتگ که از کتب مقدس برهمنیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت قائم(ع) چنین آمده است:

«بعد از آن در آخرالزمان که مسلمانی به هم رسد و اسلام در میان مسلمانان به واسطه ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی امینان و حسد حاسدان محو شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی‌رحم شوند، و رعیت بی‌انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممناطا» (در زبان هندی به معنی «محمد» است) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و همه جا (همه جهان) را بگردد... و خلاق را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و اوغیر از حق و راستی از کسی قبول نکنند»^۷.

ز) کتاب ربک ودا

در کتاب ربک ودا که یکی از کتب مقدس هند است، بشارت ظهور آن حضرت(ع) چنین آمده است:
«ویشنو، در میان مردم ظاهر می‌گردد... او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و در دست دیگر انگشتری درخشانده دارد هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید»^۸.

ح) کتاب شاکمونی

در کتاب شاکمونی که به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می‌گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است، بشارت ظهور آخرین حجت خدا(ع) چنین آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جن و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحر و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا

زنده گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و خداشناس باشد». «گشن» در لغت هندی نام پیامبر اسلام (ص) است که در بشارت فوق، فرزند برومند وی را به نام «ایستاده» و «خدا شناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم(ع)» و مهدی(ع) می‌خوانند.

کتاب تورات

الف) زبور داوود:

در زبور حضرت داود(ع) که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی در باره ظهور حضرت مهدی(ع) به بیان‌های گوناگون داده شده است و می‌توان گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره‌ای به ظهور مبارک آن حضرت، و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

«زیرا که شریران منقطع می‌شوند، اما متوکلان به خداوند، ... متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. شریر به خلاف صادق افکار مذمومه می‌نماید، و دندان‌های خویش را بر او می‌فشارد. خداوند به او متبسم است چون که می‌بیند که روز او می‌آید شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را ببندازند، و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد. کمی صدیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است. چون که بازوهای شریران شکسته می‌شود و خداوند صدیقان را تکیه‌گاه است.

خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. در زمان «بلا» خجل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود لکن شریران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بره‌ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. صدیقان وارث زمین شده، تا اید در آن ساکن خواهند شد. به خداوند پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید اما عاصیان، مستأصل، و شریران منقطع خواهند شد»^۹.

ب) کتاب اشعیا نبی

در کتاب اشعیا نبی که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارت فراوانی در مورد ظهور حضرت مهدی(ع) آمده است که جهت استدلال به کتاب مزبور، نخست فرازی از آن بشارت‌ها را نقل نموده، و برخی از نکات آن را توضیح می‌دهیم تا معلوم شود که مسلمانان در باره عقیده به ظهور یک مصلح جهانی تنها نیستند، بلکه همه اهل کتاب در این عقیده با مسلمانان اشتراک نظر دارند. در فرازی از بشارت کتاب اشعیا چنین آمده است:

«و نهالی از تنه «پسی» ۱۰ بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد نمود و بر وفق سمع گوش‌های خویش، تنبیه نخواهد نمود؛ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود . . . کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت.

و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرورای با هم. و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد، و طفل شیر خوره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت، و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند»^{۱۱}.

ج) کتاب بوئیل نبی

در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت مهدی(ع) و نزول حضرت عیسی(ع) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز، چنین آمده است: «آن گاه جمیع امت‌ها را جمع کرده به وادی «یهوشافاط»^{۱۲} فرود خواهیم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل رامحاکمه خواهیم نمود، زیرا که ایشان را در میان امت‌ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند و بر قوم من فرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند»^{۱۳}.

د) در کتاب زکریای نبی

در کتاب زکریای نبی که یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی عالم چنین آمده است: «اینک روز خداوند می‌آید و غنیمت تو در میان تقسیم خواهد شد. و جمیع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهیم کرد، و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود، و زنان را بی عصمت خواهند کرد، و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت، و بقیه قوم از شهر منقطع خواهند شد.

و خداوند بیرون آمده با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنان که در روز جنگ مقاتله نمود، و در آخر آن روز پای‌های او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد . . . و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود . . . و «یهوه» (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد» ۱۴.

در این جا لازم است این نکته را توضیح دهیم که در کتب عهدین (یعنی تورات و انجیل) کلمه «خداوند» بیشتر در مورد حضرت عیسی(ع) به کار می‌رود، که در این جا نیز چنین شده است. و جالب این که در این فراز بشارت که از تورات نقل کردیم، محل فرود آمدن حضرت عیسی و یوم الله بودن آن روز و جهانی شدن اسلام و سقوط رژیم اشغالگر قدس دقیقاً با روایات اسلامی مطابقت دارد.

ه) کتاب حزقیال نبی

در این کتاب در مورد واقعه ظهور و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید، و اجرای احکام و حدود الهی در آن عصر درخشان، چنین آمده است:

«... و تو ای پسر انسان! یهوه (خدا) چنین می‌فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می‌نمایم فراهم آید. قربانی عظیمی بر کوه‌های اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید.

و یهوه می‌گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان امت‌ها قرار خواهم داد و جمیع امت‌ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که برایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود. و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد، خواهند دانست که یهوه - خدای ایشان - من هستم. و امت‌ها خواهند دانست که خاندان اسرائیل به سبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند؛ زیرا که به من خیانت ورزیدند» ۱۵.

و) کتاب حجی نبی

در این کتاب نیز که یکی از کتاب‌های انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور بدین گونه آمده است:

«یهوه صباوت چنین می‌گوید: یک دفعه دیگر - و آن نیز بعد از اندک زمانی - آسمان‌ها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت، و تمامی امت‌ها را متزلزل خواهم ساخت، و فضیلت جمیع امت‌ها خواهد آمد . . . این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت . . . جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیم‌تر خواهد بود، و در این مکان سلامتی را خواهم بخشید» ۱۶.

ز) کتاب صفیای نبی

در این کتاب که یکی از کتب انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(ع) چنین آمده است:

«...خداوند در اندرونش عادل است و بی انصافی نمی‌نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می‌سازد و کوتاهی نمی‌کند، اما مرد ظالم حیا را نمی‌داند. امت‌ها را منقطع ساخته ام که برج‌های ایشان خراب شده است و کوه‌های ایشان را چنان ویران کرده‌ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: کاش که از من می‌ترسیدی و تادیب را می‌پذیرفتی... .

بنابر این، خداوند می‌گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم زیرا که قصد من این است که امت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امت‌ها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه - خدا - را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند» ۱۷.

ح) کتاب دانیال نبی

در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور منجی مطابق بشارات انبیای گذشته، چنین آمده است:

«... امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد.

اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید ... خوشا به حال آن که انتظار کشد» ۱۸.

در این بشارت نکات چندی وجود دارد که برخی از آنها را به طور اختصار توضیح می‌دهیم:

۱. شخص مورد بشارت که در نخستین فراز بشارت مزبور به عنوان «ایستاده» از او تعبیر شده است، قائم آل محمد(ع) است که بزرگ‌ترین نماینده انبیای الهی است، و دعوت تمام پیامبران خدا را یکجا در حکومت حقه خود آشکار ساخته، آیین الهی را بر سرتاسر کره خاکی حکم فرما می‌نماید.

۲. منظور از «زمان تنگی»، زمان بیدادگری‌ها، سختی‌ها، فشارها، ظلم و ستم‌هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می‌شود، چنان‌که در روایات اسلامی آمده است: **یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.**

۳. منظور از: «آنانی که در خاک زمین خوابیده اند»، گروهی از اموات می‌باشند که در دولت حضرت مهدی(ع) زنده می‌شوند، و برخی از آنان از یاران آن حضرت می‌گردند و در رکاب حضرتش می‌جنگند و برخی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می‌رسند.

در این زمینه، روایات بسیاری از ائمه معصومین(ع) رسیده است که ما به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌نماییم، و علاقمندان می‌توانند به کتاب‌هایی که درباره «رجعت» نگاشته شده، مراجعه فرمایند.

کتاب انجیل

بر اساس بشارت فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح(ع) به دنبال قیام حضرت قائم(ع) در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگردند و حامی حضرت مهدی(ع) گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی - و شاید در طول دوران حیات - به یاران و شاگردان خود توصیه‌ها و سفارش‌های اکیدی درباره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در این جا می‌آوریم.

اینک متن برخی از آن بشارت‌ها که در انجیل آمده است:

الف) انجیل متی :

«پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارت‌های هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی‌بینید؟ هر آینه به شما می‌گویم: در این جا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می‌شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟ عیسی در جواب ایشان گفت: زهار کسی شما را گمراه نکند. از آن رو که بسا به نام من آمده، خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید، زهار مضطرب شوید زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید...»

آن گاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در این جا یا در آن جا است باور مکنید زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی. اینک شما را پیش خبر دادم.

پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید زیرا هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوت‌های افلاک متزلزل گردد. آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید... پس از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه اش نازک شده برگ‌ها می‌آورد می‌فهمید که تابستان نزدیک است، همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک - بلکه بر در - است. هر آینه به شما می‌گویم...»

آسمان و زمین زایل خواهد شد لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد. اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس لیکن چنان‌که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود...»

پس بیدار باشید زیرا که نمی‌دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحبخانه می‌دانست در چه هنگامی از شب دزد می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زند. لذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد» ۱۹.

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند به قسمی که شبان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آن گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید:

بیاپید ای برکت یافتگان از پدر من ! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید» ۲۰.

«عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می‌گویم: شما که مرا متابعت نموده اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت» ۲۱.

ب) انجیل مَرَقَس:

«و چون او - عیسی - از هیکل بیرون می‌رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد ! ملاحظه فرما چه نوع سنگ‌ها و چه عمارت‌ها است! عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارت‌های عظیمه را می‌نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن‌که به زیر افکنده شود. و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می‌شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟

آن گاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را بشنوید مضطرب مشوید زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست، و زلزله‌ها در جای‌ها حادث خواهد شد و قحطی‌ها و اغتشاش‌ها پدید می‌آید، ... لیکن شما از برای خود احتیاط کنید... .

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید ! زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحبخانه می‌آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبدا ناگهان آمده شما را خفته باید. اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید !» ۲۲.

ج) انجیل لوقا :

«کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد . . . پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید» ۲۳.

«و در آفتاب و ماه و ستارگان علاماتی خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد. و آن گاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید» ۲۴.

همانگونه که قبلاً توضیح دادیم مقصود از «پسر انسان» حضرت مسیح(ع) نیست، زیرا مطابق نوشته مستر هاکس آمریکایی در «قاموس کتاب مقدس» این عبارت هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی مسیح(ع) قابل تطبیق است». و اما پنجاه مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می‌گوید که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی(ع) نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند - تبارک و تعالی - کسی اطلاع ندارد، و او کسی جز خیرین حجت خدا(ع) نخواهد بود.

ه) انجیل یوحنا :

و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند زیرا که پسر انسان است. و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری».

مکاشفه یوحنا: «و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچکس آن را نمی‌داند و جامه خون آلود - سرخ - در بر دارد و نام او را کلمه خدا می‌خوانند. و لشکرهایی که در آسمانند بر اسب‌های سفید، و په کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آن‌ها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود...»

و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده

می‌گوید: بپایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران را...» ۲۵.

پی‌نوشت‌ها:

=====

۱. اوپانیساد، ترجمه محمد داراشکوه (از متن سانسکریت)، ج ۲، ص ۶۳۷.
 ۲. بشارات عهدین، ص ۲۴۶؛ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸؛ لمعات النور فی کیفیتة الظهور، ج ۱، ص ۱۹، نور الانوار، ص ۸۶، نور هفتم.
 ۳. علائم الظهور کرمانی ص ۱۷؛ لمعات شیرازی، ج ۱، ص ۱۸؛ نور الانوار، نور هفتم؛ بشارات عهدین، ص ۲۴۶ به نقل از کتاب زبدة المعارف، ذخیره الالباب و تذکره الاولیاء.
 ۴. بشارات عهدین، ص ۲۷۲؛ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.
 ۵. بشارات عهدین، ص ۲۴۵؛ او خواهد آمد، ص ۶۶؛ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.
 ۶. سوره اسراء، آیه ۳۳، جهت اطلاع بیشتر به کتاب المحجة، صص ۱۲۷-۱۲۹ مراجعه فرمایید.
 ۷. علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸؛ او خواهد آمد، ص ۸۰.
 ۸. او خواهد آمد، ص ۶۵ به نقل از کتاب ریگ ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴.
 ۹. عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹ - ۲۸.
 ۱۰. یسعی به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه «راعوت» است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر «یسعی» می‌نامیدند، در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیغمبران بزرگ «بنی اسرائیل» بوده است. (قاموس کتاب مقدس).
 ۱۱. تورات، کتاب اشعیا، نبی، باب ۱۱، بندهای ۱ - ۱۰، ص ۱۵۴۸، کتاب مقدس.
 ۱۲. وادی یهوشافاط، نام صحرايي در نزديكي بيت المقدس است که اکنون وادی «قدرون» نامیده می‌شود. (لغت نامه دهخدا، حرف قاف، قدرون، ص ۱۷۷).
 ۱۳. کتاب مقدس، کتاب یوتیل نبی، ص ۱۲۲۷، باب ۳، بندهای ۲ و ۳.
 ۱۴. همان، کتاب زکریای نبی، ص ۱۲۸۲، باب ۱۴، بندهای ۱-۱۰.
 ۱۵. کتاب مقدس، کتاب حزقیال نبی، ص ۱۲۶۵، باب ۳۹، بند ۲۳-۱۷.
 ۱۶. قاموس کتاب مقدس، ماده «پسر خواهر»، ص ۲۱۹.
 ۱۷. کتاب مقدس، کتاب صفینای نبی، ص ۱۳۶۳، باب ۳، بندهای ۹ - ۵.
 ۱۸. کتاب مقدس، کتاب دانیال نبی، ص ۱۳۰۹، باب دوازدهم، بندهای ۱۲ - ۱.
 ۱۹. کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۱، باب ۲۴، بندهای ۸ - ۱، ۲۳ - ۲۷، ۲۸ - ۴۶ و ۴۲.
 ۲۰. کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۲۴ - ۳۱.
 ۲۱. انجیل متی، باب ۱۹، بندهای ۲۸ و ۲۹.
 ۲۲. ۴۲ - کتاب مقدس، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۲، بندهای ۱ - ۹ و ۳۳ تا ۳۷.
 ۲۳. کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۱۶، باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶ و ۴۰ - ۳۷.
 ۲۴. انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۷ - ۲۵.
 ۲۵. کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، رسول، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۸ - ۱۱.
- اعتقاد به امام مهدی(ع) به عنوان مصلحی الهی و جهانی در بسیاری از مذاهب و ادیان وجود دارد.
- نه تنها شیعه که اهل تسنن و حتی پیروان ادیان دیگر، مانند یهود، نصارا، زردشتیان و هندویان نیز به ظهور مصلحی بزرگ و الهی اذعان دارند و آن را انتظار می‌کشند.

آیین زردشتی

در کتاب‌های :

اوستا،
زند،
جاماسب نامه،
داتستان دینیک،
زرانشت نامه،

موعودهایی معرفی شده‌اند که آنان را سوسیانت می‌نامند.

این موعودها سه تن بوده‌اند که مهم‌ترین آنان آخرین ایشان است و او را «سوسیانت پیروزگر» خوانده‌اند.

این سوسیانت، همان موعود است. چنان‌که گفته‌اند:

سوسیانت مزدیسنان، به منزله گریش‌ناک برهمنان بودای پنجم بودائیان، (۱) مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.

در کتاب‌های قدیم چینیان، در عقاید هندیان، در بین اهالی اسکانديناوی و حتی در میان مصریان قدیم، بومیان آمریکایی، اهالی مکزیک و نظایر آن می‌توان چنین انتظاری را مشاهده کرد.

بنابراین، عقیده به ظهور رهایی بخشی بزرگ، برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسان‌ها و برپایی حکومت حق و عدالت، منحصر به شرقی‌ها و مذاهب شرقی نیست،

بلکه اعتقادی عمومی و جهانی است که چهره‌های مختلف آن در عقاید اقوام گوناگون دیده می‌شود

و همه روشن گر این حقیقت است که این اعتقاد کهن در فطرت و نهاد انسان و در دعوت همه پیامبران ریشه داشته است.

«برنارد بارلر» جامعه شناس آمریکایی در رساله نهضت منجی گری وجود چنین اعتقادی را حتی در میان سرخ‌پوستان آمریکایی نقل کرده، می‌گوید:

در میان قبایل سرخ پوست آمریکایی این عقیده شایع است که روزی گرد سرخ‌پوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد ساخت. (۲)

پی نوشتها :

۱- دائرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۱۳۷۳.
۲- ر. ک: مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۵۸ - ۵۹.

مهدی (عج) در منابع اهل سنت

مدارک و روایات موجود درباره مهدی و ظهور ایشان، منحصر به يك مذهب از مذاهب اسلامی، یعنی شیعه نیست،

بلکه کتاب‌ها و مدارک همه مذاهب اسلامی دیگر، از جمله **حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی** نیز سرشار از روایات نبوی درباره مهدی و ظهور او است.

در کتاب‌های حدیث، تفسیر، تاریخ، مناقب و فضایل، کلام و اعتقادات، حتی لغت و ادبیات، تصوف و عرفان، جغرافیا و بلدان و دیوان‌های شاعران به ذکر احادیث و مطالبی پرداخته شده که مربوط به مهدی است.

این اتفاق نظر به حدی است که حتی تندروترین گروه‌های اسلامی،

یعنی وهابیان نیز این موضوع را پذیرفته و به‌طور جدی از آن دفاع کرده‌اند و آن را از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می‌دانند.

بیانیه رابطه العالم الاسلام که از بزرگ‌ترین مراکز دینی وهابی‌ها در مکه است، در این خصوص جالب توجه است.

يك سند زنده

حدود سه سال قبل شخصی به نام ابو محمد از کنیا سؤالی درباره ظهور مهدی منتظر از این مرکز کرده است.

دبیر کل رابطه، محمد صالح الفوزان در پاسخی که برای او فرستاده، ضمن تصریح به این که «**ابن تیمیه**» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته

و متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه آماده کرده‌اند برای او فرستاد.

در این رساله پس از ذکر نام حضرت مهدی و محل ظهور او، یعنی مکه آمده است:

به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

او آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر(ص) در کتب صحاح از آنها خبر داده است. احادیث مربوط به

مهدی را بسیاری از صحابه نقل کرده‌اند. (۱)

در ادامه می‌گویید:

در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر(ص) اعم از سنن، معجم و مسانید آمده است، از جمله سنن ابو داود، ترمذی، ابن‌ماجه، ابن‌عمرو دانی، مسند احمد، و ابی‌یعلی و بزار، مستدرک‌حاکم، معجم طبرانی (کبیر و اوسط)، خطیب در تاریخ بغداد، ابن‌عساکر در تاریخ دمشق و...

در خاتمه آمده:

بنابر این، اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می‌شود و جز افراد نادان و بی‌خبر یا بدعت‌گذار آن را انکار نمی‌کنند. (۲)

سخنان عالمان اهل سنت

اکنون مناسب است سخنان عالمان اهل سنت را درباره حضرت مهدی(عج) در این‌جا بیاوریم:

ابن حجر هیثمی شافعی

ابوالقاسم، محمد، الحجّه، عمر او پس از درگذشت پدرش پنج سال بود، خداوند در همین عمر، به او حکمت ربانی عطا کرد. او را «قائم منتظر» گویند.

اخبار متواتر رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی(ع) از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند. (۳)

عمادالدین ابن کثیر دمشقی

مقصود از پرچم‌های سیاه (که در روایات مهدی ذکر شده است)، پرچم‌های سیاهی نیست که ابو مسلم خراسانی برافراشت و دولت بنی‌امیه راساقط کرد،

بلکه مقصود پرچم‌های سیاهی است که یاران مهدی خواهند آورد. (۴)

ابن ابی الحدید

میان همه فرق مسلمین اتفاق قطعی است که عمر دنیا و احکام و تکالیف پایان‌نمی‌پذیرد، مگر پس از ظهور مهدی(عج). (۵)

صدرالدین قونوی

پس از مرگ من، آن چه از کتاب‌هایم که درباره طب و حکمت است و همچنین کتاب‌های فلسفه، همه را بفروشید و پول آن را به فقرا صدقه بدهید و کتاب‌های تفسیر و حدیث و تصوف را در کتابخانه نگاه دارید.

در شب اول مرگ من، هفتاد هزاربار کلمه توحید (لا إله إلا الله) را بخوانید و سلام مرا به مهدی(عج) برسانید. (۶)

محمد بن بدرالدین رومی

خداوند به وسیله حضرت محمد(ص) نبوت تشریحی را ختم کرده و دیگر تاروز قیامت پیامبری نخواهد آمد.

همچنین خدا به وسیله فرزند صالح پیامبر، همو که دارای نام پیامبر (محمد) و کنیه پیامبر (ابوالقاسم) است ولایت تامه و امامت عامه را ختم خواهد کرد ،

و این ولی، همان کس است که مژده داده‌اند که زمین را چنان‌که از جور و ستم لبریز شده باشد، از عدل و داد لبریز بسازد و ظهور او به ناگهان اتفاق بیفتد.

خداوندا! این همه پریشانی و گرفتاری را از این امت به برکت ظهور و حضور او برطرف فرما!

إِنَّهُمْ بَرَوْتَهُ بَعِيداً وَ تَرَاهُ قَرِيباً؛ کسانی ظهور او را بعید و ناشدنی می‌پندارند و ما آن را شدنی و نزدیک می‌دانیم. (۷)

شیخ عبدالحق دهلوی

احادیث بسیاری که به حد تواتر رسیده است وارد شده که مهدی از اهل بیت پیامبر است، از اولاد فاطمه (س). (۸)

احمد امین مصری

اهل سنت به مهدی و مسأله مهدی یقیناً ایمان دارد. (۹)

شیخ محمد عبده

خاص و عام می‌دانند که در اخبار و احادیث ضمن شمردن علائم قیامت، آمده‌است که مردی از اهل بیت پیامبر (ص) خروج می‌کند که نام او مهدی است.

او زمین را، پس از آن که از جور و بیداد آکنده باشد، از عدل و داد آکنده می‌سازد. (۱۰)

پی نوشتها :

۱. بیست نفر از صحابه از جمله علی (ع)، عثمان، طلحه، عبدالرحمن عوف، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، و... را آورده است.
۲. به نقل از: حکومت جهانی مهدی، ص ۱۴۴ - ۱۵۵ با تلخیص.
۳. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۰۰.
۴. همان، ج ۲، ص ۷۲.
۵. لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۳ - ۵.
۶. محمد سعید موسوی هندی، الامام الثانی عشر، ص ۷۷.
۷. همان، ص ۷۷.
۸. منتخب الاثر، ص ۳.
۹. شیخ محمد جواد مغنیه، المهدی المنتظر و العقل، ص ۵۹.
۱۰. رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۵۷.

نظر متفکران غربی درباره مهدویت

«برنارد شاو» فیلسوف برجسته انگلیسی صریحاً به زنده بودن دین اسلام اعتراف کرده، اعلام نمود:

من همیشه نسبت به دین محمد (ص) به واسطه خاصیت زنده بودن شگفت آور آن نهایت احترام را داشته‌ام.

به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد.

من چنین پیش بینی می‌کنم و هم اکنون هم آثار آن پدیدار شده است که ایمان محمد مورد قبول اروپای فردا خواهد بود.

(۱)

آن‌گاه که برناردشاو جهان گیر شدن آیین اسلام را پیش بینی می‌کرد و آنرا مورد قبول مردم اروپا می‌دانست و معتقد بود که تنها اسلام می‌تواند مشکلات جهان را حل کند،

اروپاییان با بی‌اعتنایی از کنار این نظریه می‌گذشتند. اما امروز حقیقت سخنان او و سایر متفکران آزاداندیش برای غربیان آشکار شده است.

گرایش روز افزون مردم جهان به اسلام نشانه بارزی است برای صحت پیش بینی‌های او.

امروزه کسانی که در آمریکا و اروپا به اسلام می‌گروند همان حقایقی را می‌یابند که متفکران غربی، آنها را از ویژگی‌های اسلام معرفی می‌کنند که عامل نجات بخش بشریت و پناهگاه امن معنوی برای انسان‌های سرگشته غربی است.

یک تازه مسلمان آمریکایی می‌گوید :

این آیین قادر است فشارهای جامعه بی‌بنیاد و مصرفی آمریکا را که متوجه افراد است، برطرف کند.

اسلام نه تنها یک دین، بلکه یک شیوه درست زندگی نیز می‌باشد.

(۲)

«داگلاس جانسون» از مرکز تحقیقات بین المللی و استراتژیک و نویسنده کتاب مذهب عنصر مفقوده در فن حکومت می‌گوید :

جهان به مذهب روی می‌آورد. هنگامی که حکومت‌های غیر مذهبی نیازهای مردم را بر آورده نکنند، پیام‌های مذهبی فضای خالی را پر می‌نمایند.(۳)

بنابراین، نوعی خود آگاهی و رشد معنوی در دنیای در حال تکامل و رشد، دیده می‌شود که فراتر از مادیات عمل کرده و حتی مادیات را عامل توقف و مانع رشد و تکامل می‌داند،

افراد نظیر «تدد انلیز» اهل «فیلادلفیا» هر هفته ادبیات سال ۲۰۰۰ را بررسی می‌کند، شدیداً به این باور ایمان دارد که هزاره بعدی زمان ظهور منجی آخرالزمان است.(۴)

صاحب الزمان(عج) از نگاه هانری کرین

پروفسور «هانری کرین» ایران شناس مشهور فرانسوی از جمله اروپاییانی است ،

که در دوران زندگی علمی خود تمایل قلبی و یقین عینی و عقلانی به وجود مبارک امام عصر(عج) و معنویت بی‌بدیل سایر ائمه شیعه(ع) یافته‌بود.

به عقیده کرین، مفهوم ولایت در این دوران طولانی انتظار، همان هدایت ارشادی امام است که «اسرار» اصول عقاید را می‌آموزد.

این مفهوم از سووی، شامل مفهوم معرفت است و از سوی دیگر، واجد معنای محبت؛ یعنی معرفتی که فی‌نفسه متمرکز و نیرومند است.(۵)

کرین در بخشی از کتاب تاریخ فلسفه اسلامی ضمن نقل روایتی مشهور از پیامبر اکرم(ص) که می‌گوید :

اگر تنها یک روز به پایان جهان باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی خواهد کرد تا مردی از ذریه من که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من خواهد بود، ظهور کند.

او زمین را از هماهنگی و عدل پر خواهد ساخت چنان‌که تا آن هنگام از خشونت و جور پر شده است.

به تفسیر این روایت پرداخته و می‌نویسد:

روزی که چنین طولانی خواهد شد، زمان غیبت است و این حدیث صریح طنین خود را در همه قرون و در تمام مراتب شعور و ضمیر شیعه منعکس ساخته است.

کرین پس از اذعان به این نکته که امامان همه نور و حقیقت واحدی هستند که در دوازده شخص متمثل شده‌اند، می‌نویسد:

وقتی نسبت لاهوت و ناسوت را در شخص امامان در نظر بگیریم، می‌بینیم مسأله به هیچ روی شبیه به اتحاد اُنومی در طبیعت نیست، امامان، ظهورات و تجلیات الهی هستند، قاموس فنی زبان، کلمات (ظهور و مظهر) را پیوسته به مقابله با عمل

آيينه باز می‌گرداند، پس بدین‌گونه امامان هم چون ظهور الهی، بی‌هیچ کم و بیش «اسماء الله» می‌باشند و به این عنوان از دو مهلکه تشبیه و تعطیل مصونند. (۶)

پی نوشتها :

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴/۵/۷۳، ص ۱۱.
۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴/۵/۷۳، ص ۱۱.
۳. موعود، شماره ۹، ص ۶۶، به نقل از: مقاله «نقش کلیدی مذهبی در سیاست بین المللی» ترجمه: فرید پرتو، ۶ ژوئیه ۱۹۹۶، ص ۱.
۴. موعود، شماره ۹، ص ۶۶، به نقل از: مقاله «در جستجوی آخرالزمان»، نوشته ژان سباستین ستلی، ۳۰ دسامبر ۱۹۹۵، ص ۱.
۵. امین میرزایی، موعود، شماره چهاردهم.
۶. هانری، کرین، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسدالله مبشری

علائم و نشانه های ظهور

نشانه ها در طبیعت

گرسنگی

از نشانه های پیش از ظهور حضرت، گرسنگی ذکر شده است.

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: "پیش از ظهور حضرت قائم (ع) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه هایی است " گفتم: خدا مرا فدای توگرداند، آن نشانه ها کدام است؟ فرمود: آن ها همان گفته خداوند است که فرمود: و لیتونکم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرين (۱) و شما مؤمنان را به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی ها و جان ها و میوه ها می آزمایشیم، پس صابران را مژده ده. آنگاه فرمود: "خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پاپانی حکومت شان می آزمایشد و مراد از گرسنگی، گرانی قیمت هاست

=====

۱.سوره بقره ۱۵۵.

ابرسخت

به ابرهایی گویند که در آن رعد و برق و آذرخش و صاعقه باشد. امام باقر(ع) فرمود: ابر سخت، برای حضرت صاحب (ع) ذخیره شده است. هرگاه ابری چنین بود، صاحب شما بر آن سوار است. بی شک او سوار بر ابر می شود و با آن به سوی آسمان بالا می رود و آسمان ها و زمین های هفتگانه را می پیماید. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: خداوند ذوالقرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر کرد. او ابر رام را برگزید. و اگر ابر سخت را بر می گزید، اجازه استفاده از آن را نداشت، زیرا خداوند، ابر سخت را برای حضرت قائم (ع) ذخیره کرده است. (۲)

- =====
۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ بصائرالدرجات ص ۴۰۹ اختصاص مفید ص ۹۹ ۱.
 ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۲ اختصاص مفید ص ۳۲۶ غایة المرام ص ۷۷.

باران های فراوان

از نشانه های ظهور ذکر شده است. در سال ظهور، باران های پیاپی زمین را آباد و سبز می کند و وضع مردم بهتر می شود. امامان (ع) در تبیین نشانه های ظهور و خبر دادن از رخدادهای آن روزگار، از این واقعه نیز یاد کرده اند. امام صادق (ع) می فرماید: در آستانه قیام مهدی (ع) سالی پر باران خواهد بود که در اثر آن، خرما بر روی نخل می

پوسد. پس در این تردیدی به خود راه ندهید". (۱) و نیز می فرماید: و چون هنگام ظهور مهدی (ع) نزدیک شود، در تمام ماه جمادی الاخر و ده روز نخست ماه رجب، بارانی بر مردم بیارد که تا آن هنگام، مانند آن را ندیده باشند... (۲) این نشانه را بزرگانی مانند شیخ مفید، شیخ طوسی و طبرسی در ردیف نشانه های ظهور آورده اند، ولی باید توجه داشت که روایت طبرسی و مفید مرسله است و روایت شیخ طوسی نیز ضعیف است. (۳)

و اما درباره عصر ظهور حضرت مهدی (ع) آورده اند که: خداوند، برای مهدی (ع) برکت را از آسمان فرو می فرستد. (۴) آسمان، بارانی می بارد که زمین، محصول خود را آشکار می سازد و مردم در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار می شوند که هرگز مانند آن را ندیده اند. (۵) در دولت او، آب ها فراوان می شود و رودخانه ها بالا می آید، (۶) چشمه ها می جوشد، و زمین چند برابر محصول می دهد. (۷)

=====

۱. غیبة طوس ص ۴۴۹
۲. اعلام الوری ص ۲۹۰ و بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷.
۳. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۲۵۰.
۴. ملاحم ابن طاووس ص ۷۱ و ۱۴۱ عقد الدرر ص ۶۹.
۵. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۴۵ اثبات الهداة ج ۲ ص ۵۲۴ احقاق الحق ج ۱۹ ص ۶۵۵.
۶. عقد الدرر ص ۸۴
۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴ اختصاص مفید ص ۲۰۸.

صورتی در خورشید

از نشانه های آخرالزمان، ظاهر شدن صورتی در قرص خورشید ذکر شده است. مردم سیماک مردی را در قرص خورشید خواهند دید که نام و نشان او را خواهند شناخت. این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی و خود سفیانی هلاک خواهند شد. (۱) صاحب کتاب روزگار رهایی می نویسد: منظور از سیماک مردی که در قرص خورشید ظاهر خواهد شد، سیماک حضرت مسیح (ع) است که در خورشید ظاهر می شود و از آسمان فرود می آید و با حسب و نسبش شناخته می شود و دیگر کسی در حق او دچار تردید، (۲) نمی شود. در حدیث دیگری آمده است: صورت و سینه ای در قرص خورشید برای مردمان ظاهری می شود. (۳)

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: سه بانگ آسمانی در ماه رجب شنیده می شد: ۱. آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمگران باد، ۲. ای گروه مؤمنان رستاخیز نزدیک است، ۳. بدن انسانی به وضوح در قرص خورشید دیده می شود که با صدای رسا بانگ بر می آورد: هان ای مردم خداوند فلانی، پسر فلانی سلسله نسب حضرت قائم (ع) را تا حضرت علی (ع) می رساند را برانگیخت. (۴)

=====

۱. ارشاد مفید ص ۳۳۸ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰ اعلام الوری ص ۴۲۸
۲. روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۴۵
۳. همان ص ۸۴۶.
۴. غیبة طوسی ص ۲۶۸ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۹ منتخب الاثر ص ۴۲۲.

ملخ سرخ

از نشانه های پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) ظاهر شدن ملخ هایی سرخ فام در فصل خود و در خارج از فصل خود است که بر زراعت و غلات هجوم می برند و موجب کمی محصول می گردند (۱) در روایتی آمده است: یمن با هجوم ملخ و ستم زمامداران خراب می شود. (۲) و در روایت دیگری خرابی چین، از ملخ ذکر شده است.

=====

۱. غیبة نعمانی ص ۱۴۸ الزام اناصب ص ۱۸۵
۲. بشارة الاسلام ص ۴۳

سرخی آسمان

پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان، از نشانه های ظهور مهدی (ع) یاد شده است. (۱) این رخداد ممکن است انعکاس پرتو خورشید در افق یا فضا باشد و این از آثار و نشانه های خشم خدا بر زمینیان است که نظیر آن در عاشورا پس از شهادت امام حسین (ع) پدیدار شده است. ابوالعلاء در این مورد می گوید: بر افق آسمان دو شاهد از خون مقدس علی (ع) و فرزندش موجود است (۲) در روایتی آمده است: قائم قیام نمی کند، جز هنگامی که چشم دنیا در آورده شود و سرخی آسمان پدید آید که آن ها اشک های خونبار حاملان عرش است که برای مردم زمین از چشم آسمان می بارد (۳)

- =====
۱. ارشاد مفید ص ۲۵۶ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰.
 ۲. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۴۹۵.
 ۳. غیبه نعمانی ص ۷۴ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۶ الزام الناصب ص ۱۷۹.

صورتی در ماه

در روایت است: سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود نشانه ای پیش از آن در ماه رجب دیده می شود. گفته شد: آن نشانه چیست فرمود: سیمایی در قرص ماه دیده می شود، دست و کف دست روشنی در فضا ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند و ندایی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین آن را می شنوند. (۱)

- =====
۱. غیبه نعمانی ص ۱۳۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۳ ارشاد مفید ص ۲۳۷.

اوضاع اجتماعی

فقیهان

عالمان و فقیهان، حافظان دین خدا در روی زمین اند و راهنمایی و ارشاد مردم در دست آنان است. آنان با تحمل زحمات، مسائل دینی را از منابع شرعی استخراج کرده، در دسترس مردم قرار می دهند، ولی در آخر الزمان وضع دگرگون می شود و عالمان روزگار بدترین عالمان خواهند بود رسول خدا (ص) در این باره می فرماید: فقیهان آن روزگار، بدترین فقیهانی اند که در زیر آسمان به سر می برند. فتنه و آشوب، از آنان آغاز می شود و به آنان نیز باز می گردد. (۱)

۱. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۹۰ ثواب الاعمال ص ۱۰۳۰.

کساد

از ویژگی های پیش از ظهور ذکر شده است . در حدیثی امام صادق (ع) پس از قرائت آیه ۱۵۵ سوره مبارکه بقره و نبلونکم بشیء من الخوف والجوع ... فرمود: خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آزماید و مراد از گرسنگی، گرانی قیمت هاست و منظور از کمی دارایی ها، کساد تجارت و کمبود درآمد است. (۱)

۱. کمال الدین ج ۲ ۶۵۰ غیبه نعمانی ص ۲۵۰.

آتش و دود

در نشانه های آخر الزمان آمده است: آتش و دودی در خاور زمین برمی خیزد که تا چهل شب مشتعل می شود (۱) قیامت برپا نمی شود تا در یکی از وادی های حجاز، آتش روان گردد. (۲) رسیلان و روان در مورد آتش محل تأمل است زیرا آتش هنگامی می تواند روان گردد که جسم شعله ور، یک جسم سیال و مایع باشد و آن چیزی جز نفت نیست برخی از این آتش، تعبیر به منفجر شدن چاه های نفت کرده اند.

امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید: پیش از قیام قائم (ع) مردم با يك سلسله از نشانه های آسمانی بیم داده می شوند: آتشی که در آسمان پدید آید... (۳)

در حدیث دیگری آمده است: عمودی از آتش در طرف مشرق در آسمان پدید می آید که همه مردم روی زمین آن را می بینند. هرکس آن زمان را درک کند، برای خانواده اش مواد غذایی يك ساله را تامین کند. (۴)

۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۳۳ .
۲. همان ص ۸۳۴.
۳. ارشاد مفید، ص ۲۴۰ اعلام الوری، ص ۴۲۹ الزام الناصب، ص ۱۸۴.
۴. روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۳۹ .

امر به منکر

در احوال اهل آخرالزمان آمده است که: به جای امر به معروف، امر به منکر و نهی از معروف می کنند. معروف را منکر خیال کرده، منکر را معروف می پندارند. (۱) کسی که امر به معروف کند، خوار می شود و کسی که مرتکب گناه شود مورد ستایش قرار می گیرد. (۲) مردم در ترك امر به معروف و نهی از منکر یکی شده اند و اعراض از دین فراگیر شده و بی تقوایی میان عالم و جاهل مشترک شده است. (۳)

۱. منتصب الاثر ص ۴۲۶ الزم الناصب ص ۱۸۰ تحف العقول، ص ۴۱.

۲. منتخب الاثر ص ۲۹۳ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۵۶ و ۳۶۴.

۳. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵۹

تردید در حضرت

روایات مختلفی درباره تردید کنندگان در وجود حضرت آمده است. امام صادق (ع) فرمود: او امامی است که در ولادتش شك و تردید می کنند. برخی می گویند: به دنیا نیامده، برخی می گویند: دیده به جهان گشوده، برخی می گویند: چند سال پیش از وفات پدرش، چشم به جهان گشوده، جز این که خدا می خواهد بندگان خود را بیازماید، که گروه باطل در آن زمان به شك و تردید می گرایند. (۱) امام حسن عسکری (ع) نیز فرمود: برای فرزندم غیبتی است که مردم در آن دچار شك و تردید می شوند، به جز کسی که خدا او را از لغزش و انحراف باز دارد. (۲)

و امام صادق (ع) فرمود: هرگز در حق او تردید به خود راه ندهید، از صفحه دل هرگونه شك و تردید را بزداييد. (۳)

۱. اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۷.

۲. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۶۰ اعلام الوری ص ۴۱۵ منتخب الاثر ص ۲۲۷.

۳. روزگار رهایی ج ۱ ص ۵۰۱

حج در آخر الزمان

در حدیث مفصلی از حضرت رسول اکرم (ص) درباره پیشگویی از اوضاع آخر الزمان نقل شده و مورد خطاب حضرت در آن جا، جناب سلمان فارسی است، آمده که: ای مسلمان در آن زمان، توانگران اتم به هدف تفریح و خوش گذرانی، و طبقه متوسط به منظور تجارت، و فقرا برای خودنمایی حج می کنند. (۱)

۱. بحار الانوار ج ۳۰۵

دین فروشی

یکی از علائم آخر الزمان این است که مردم از دین خارج می شوند. روزی امام حسین (ع) نزد امیر مؤمنان (ع) آمد. گروهی در گرداگرد حضرت (ع) نشسته بودند • ایشان به آنان فرمود: حسین پیشواک شماسست رسول خدا او را سید و سرور نامیده است. از نسل او مردی ظهور خواهد کرد که در اخلاق و چهره، شبیه من است. او دنیا را پر از عدل و داد می کند، چنان که پر از ستم و جور شده است. سؤال شد: این قیام در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: افسوس هنگامی که از دین خارج شوید (۱) همچنین پیامبرگرمی اسلامی درباره اهمیت دین داری در آخر الزمان فرموده است: ... گروهی دین خود را به بهای ناچیز و متاع اندک می فروشند. کسی که در آن روز به دین خود چنگ زده و پای بند است، همانند کسی است که گلوله ای از آتش را در دست گرفته یا بوته ای از خار را در دست می فشرد (۲)

۱. ملاحم ابن طاووس ص ۱۴۴

۲. مسند احمد ج ۲ ص ۳۹۰

رشوه

مالی که شخص در مقابل عملی می گیرد که از وظایف او است، یا برای ابطال حقی یا احقاق حقی آن را می گیرد.

رشوه از محرمات شرع اسلام است و در نکوهش آن، آثار و اخبار بیش از حد و حصر آمده است. پیامبر (ص) فرموده است: خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه بین این دو را (۱) .. پیامبر (ص) فرمود: در آخر الزمان، معامله و داد و ستد با رشوه انجام می شود و دین را نادیده می گیرند و دنیا را ارج می نهند. (۲) و در اخبار آخر

الزمان آمده است: در آن زمان ربا شایع می شود و کارها با رشوه انجام می یابد (۳) و رشوه را به نام هدیه حلال می پندارند (۴).

۱. بحارالانوار، ج ۲ ص ۶۲
۲. بحارالانوار ج ۶ ص ۳۰۵.
۳. بشارة الاسلام ص ۲۶۰
۴. روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۰۷

قطع رحم

به معنای بریدن پیوند خویشاوندی است. این امر در روایات، بسیار مورد نکوهش قرار گرفته و مذمت شده است .

در روایتی آمده است که حضرت مهدی (ع) پس از ظهور، خطاب به مردم می گوید: بیایید به سوی آن چه که برای آن قطع رحم کردید، خون ها ریختید و مرتکب گناه شدید. آن گاه آن چنان عطایای کلان به آن ها می دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است (۱). پیامبر(ص) قطع رحم را از نشانه های اهل آخر الزمان معرفی می کند و می فرماید: ... هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند، ثروت ها در دست اشراک قرار می گیرد(۲)

۱. منتخب الأثرص ۴۳۰.
۲. تحف العقول ص ۴۳

معنویت پیش از ظهور

سست شدن بنیان خانواده، خویشاوندی، دوستی و سردی عواطف انسانی و بی مهری از ویژگی های بارز آخر الزمان است. رسول گرامی اسلام (ص) وضعیت آن روزگار را از نظر عاطفی چنین بیان می دارد: در آن روزگار، بزرگتران به زبردستان و کوچکتران رحم نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید. در آن هنگام خداوند به او اذن قیام می دهد. (۱) نیز آن حضرت می فرماید: قیامت برپا نمی شود تا آن که زمانی فرا رسد که مردی از شدت فقر به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آن آنها را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند، ولی چیزی به او نمی دهند. همسایه از همسایه خودکمک می طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می دهد، ولی همسایه کمکش نمی کند.(۲)

در آن روزگار فساد و بی بند و باری اخلاقی به طور گسترده ای گسترش می یابد. محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود: هنگامی که مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آنگاه که مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان. (۳)

۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۸۰.
۲. امالی ج ۲، ص ۳۷۱
۳. کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۱

زنان آخر الزمان

در روایات، ویژگی های مختلفی برای زنان آخر الزمان ذکر شده است، از جمله این که:

زنانی هستند که در نوع پوشش، گرایش به پوشش های مردانه پیدا می کنند و این مسلماً ناشی از يك حالت روانی است که اگر زنی بخواهد اطوار و حالت های مردانه داشته باشد، یکی از تجلیاتش در نوع پوشش و لباسی است که استفاده می کند. به عبارت بهتر در آخر الزمان مرزهایی که جدا کننده زن و مرد است عمدتاً برداشته شده و نوعی اختلاط فرهنگی و دیگر ابعاد از جمله در پوشش بین زن و مرد مشاهده می گردد.

خصوصیت دومی که برای این زنان ترسیم شده این است که این ها علاوه بر پوشش ظاهری، در همه مسایل و در همه حالت ها زنانی هستند که می خواهند ژست مردانه بگیرند لذا در روایت داریم که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: لعن الله المترجلا من النساء خدا لعنت کند آن گروه زنانی را که سعی می کنند، حالت های مردانه به خود بگیرند.

مشخصه ای دیگری که برای زنان آخر الزمان ذکر شده این است که همانند مردان در بین آن ها نوعی خود مشغولی پیش می آید و عمدتاً یکی از آسیب های جدی زنان آخر الزمان این است که تلاش می کنند که نظر زنان دیگر را به خودشان جلب کنند.

در روایات داریم که يتسمن النساء للنساء یعنی زنان به جای اینکه برای شوهر مشروع خود آرایش کنند و آراستگی خاص برای او داشته باشند، همت شان این است که هم جنسان خود را به سمت خویش جذب و جلب کنند.

مطلب بعدی این است که نوع فریبایی خاصی در این طایفه و حالت های آن ها دیده خواهد شد به قدری که قبله مردان می شوند. اینکه قبله شدن زنان به چه معنا است، شاید معانی گوناگونی داشته باشد. یکی از احتمالات این است که قبله شدن زن برای مرد به این معنا است که مرد در برابر زن کرنش و محل فروتنی و تواضع مرد قرارگیرد.

یا اینکه شاید به این معنا باشد که تمام همت مردان، زنان می شود. به عبارت دیگر در اسلام داریم که سعی کنید اعمال تان را رو به قبله انجام دهید، ممکن است در آخر الزمان برای مردان چنین اتفاق افتاده و تمام همت شان، زنان و رسیدن به تمنیات و خواسته های زنانشان باشد.

در روایت دیگری آمده است که گاهی زنان به مسایل سوء، گرفتار می شوند و شرایط طوری می شود که اگر مردی بخواهد حفاظت و غیرتمندی برای حفظ ناموس خودش بروز بدهد،

مورد سرزنش قرار می گیرد. معمولاً مردها دعوت به گسیختگی، بی غیرتی و بی حفاظتی در مورد ناموس خودشان می شوند و از آن ها می خواهند در این جهت حساسیت های خودشان را تماماً از دست بدهند. (۱)

۱. نشریه موعود شماره ۳۲ ص ۱۵

فراگیر شدن ظلم

فراگیر شدن ظلم و ستم، از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی (ع) به شمار آمده است.

این نشانه در روایات بسیاری به چشم می خورد. در روایتی آمده است:

خداوند به وسیله ظهور مهدی (ع) زمین را پراز عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد (۱)

یا از حضرت مهدی (ع) نقل شده:

"نشانه آشکار شدن من، زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب هاست. (۲)

گاهی نیز زیاد شدن گناهان و مفساد اخلاقی و اجتماعی در میان مسلمانان، به عنوان نشانه های نزدیک شدن ظهور پیش گوئی شده است.

علامه مجلسی ره در باب نشانه های ظهور، روایتی را از امام صادق (ع) آورده که در آن بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت، دامن گیر جوامع اسلامی می شود، پیش گوئی شده است از جمله:

رشوه خواری، قمار بازی، شراب خواری، زیاد شدن زنا، لواط، قطع صلح رحم، سنگ دل شدن مردمان، اهتمام مردم تنها به شهوت و شکم، از میان رفتن شرم، نپرداختن زکات و خمس، کم فروشی، بی اعتنائی به اوقات نماز، آراستن مساجد به زیورات، گزاردن حج به انگیزه های مادی و برای غیر خدا، رعایت نکردن احترام بزرگترها، پیروی از ثروتمندان، صرف کردن سرمایه های عظیم در فساد و ابتذال و بی دینی، چاپلوسی و تملق گوئی، نا امنی راه ها، به اسارت رفتن مسلمانان، افزایش مرگهای ناگهانی، نداشتن دادرس و پناه، نا امیدی جهانیان از نجات و ... زیاد شدن این فسادها و آلودگی ها در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است.

فراگیر شدن یعنی به گونه ای که بدی ها بر خوبی ها و ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه می یابد و شعله آتش فتنه، دامن همه را می گیرد و جامعه انسانی در باتلاق فساد فرو می رود .

البته گسترش حاکمیت استکبار در روی زمین و در استضعاف و محرومیت قرارگرفتن پیروان حق، که براساس پیشگوئی امامان (ع) در آستانه ظهور پیش خواهد آمد، نمود دیگری از بی عدالتی و زیاد شدن ظلم و جور است.

شهید مرتضی مطهری ره روایتی را از شیخ صدوق ره می آورد مبنی بر اینکه منظور از فراگیر شدن ظلم، آن است که هر يك از شقی و سعید، گروه حق و باطل، به نهایت کار خود می رسند. ستمکاران و بدکاران، به نهایت درجه بدی و نابکاری می رسند و لهیب آتش آنان همه را فرامی گیرد. در این هنگام که صالحان در مظلومیت و استضعاف به سر می برند و همه راه های چاره بر آنان بسته می شود، مهدی (ع) ظهور می کند و دنیا را پراز عدل و داد می نماید (۳)

پی نوشتها :

۱. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۳۲۰.

۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۶.

۳. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶

انکار حضرت

روایات فراوانی دلالت می کند بر آن که قبل از ظهور حضرت، بیشتر مردم مسلمان از دین حق بر می گردند . بیشتر قائلین به حضرت و معتقدین به امامت و عصمت آن بزرگوار، اعتقاد خود را از دست داده و وجود آن حضرت را انکار می کنند.

امام جواد(ع) فرمودند :

... او دارای غیبتی است که روزهای زیاد و مدتی دراز به طول می انجامد. پس مخلصان در انتظار ظهورش به سر می برند و اهل تردید انکارش می کنند و منکران، یاد او را به استهزاء می گیرند.(۱)

امام صادق(ع) نیز فرمودند :

و اما در غیبت عیسی(ع) به درستی که یهودیان و مسیحیان هم داستان شدند بر این که او کشته شده، ولی خداوند عزوجل آنان را تکذیب نمود و فرمود: و او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی مطلب بر آنان مشتبه شد. غیبت حضرت قائم(ع) نیز همین گونه است که سرانجام، این امت آن را انکار می ورزند در اثر طولانی شدن آن، بعضی از هدایت نیافتگان قائل می شوند که **آن حضرت اصلاً متولد نشده** و برخی دیگر خواهند گفت که او متولد شد و از دنیا رفت و گروهی کافر می شوند، به خاطر این که می گویند یازدهمین نفر از ما، بدون فرزند بوده و کسانی دیگر سرکش خواهند شد به خاطر این اعتقاد که امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند و بعضی هم خداوند عزوجل را عصیان و نافرمانی می کنند، به اینکه می گویند روح امام قائم(ع) در پیکر شخص دیگری وارد شده و سخن می گوید. (۲)

در بخشی از روایات نیز آمده که مردمانی، حضرت را پس از ظهور انکار می کنند، زیرا او به صورت جوان باز می گردد، در حالی که آن ها او را پیر خیال می کردند.(۳)

و در روایتی آمده است که مردم می گویند: چگونه ممکن است این او باشد، او باید قرن ها پیش، استخوان هایش پوسیده باشد. (۴)

در روایات، از کسی که حضرت مهدی(ع) را انکار کند، به کافر تعبیر شده است.

در حدیثی از امام کاظم(ع) آمده است هرکس یکی از امامان زنده را انکار کند، امامان قبلی را نیز انکار نموده است، (۵)

و نیز آمده است که: هرکس به همه امامان اعتراف کند، ولی حضرت مهدی(ع) را انکار کند، مانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف کند، ولی حضرت محمد(ص) را انکار نماید.(۶)

امام حسن عسکری(ع) نیز فرمود : اطاعت آخر ما، اطاعت اول ما، و انکار آخر ما، چون انکار اول ماست. (۷)

با وجود این روایات، انکار حضرت مهدی(ع) انکار همه امامان و تکذیب رسول اکرم(ص) است .

پی نوشتها :

۱. کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۸ .
۲. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۲۰ .
۳. بنایع الموده ج ۳، ص ۱۶۷ منتخب الأثر ص ۲۸۵ .
۴. بحار الانوار، ج ۱ ص ۵۱، ص ۱۴۸ و ۲۲۵ غیبة طوس، ص ۲۶ منتخب الأثر ص ۲۷۶
۵. منتخب الأثر ص ۱۴۹ الزام الناصب ص ۵۹ بنایع الموده ج ۳ ص ۱۰۸ و ۱۶۲
۶. غیبة النعمانی ص ۶۲ اصول کافی ج ۱ ص ۲۱۲
۷. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۲ كشف الغمه ج ۳ ص

ترس

پیش از ظهور حضرت، ستمگران بر جهان فرمانروایی می کنند و بیم و ترس غالباً از حکومت آنان سرچشمه می گیرد .

رسول خدا(ص) می فرمایند:

زمین از ستم و بیداد پر می شود ، تا جایی که در هر خانه ای ترس و جنگ وارد می گردد. (۱)

امام باقر(ع) نیز می فرمایند:

حضرت قائم قیام نمی کند مگر در دورانی پر از بیم و هراس . (۲)

واما امدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است ویا انجام کراماتی، حضرت مشکلات را از سر راه برمی دارد ویا به وسیله رعب و ترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند.

در روایات، ترس به عنوان یکی از سه لشکری که حضرت را یاری می رساند ذکر شده است.

امام صادق (ع) می فرماید:

خداوند، حضرت قائم را با سه لشکر یاری می دهد، فرشتگان، مؤمنان و ترس. (۳)

امام باقر(ع) نیز می فرماید:

ترس و رعب در پیشاپیش حضرت مهدی (ع) به فاصله يك ماه وازپشت سر نیز به فاصله يك ماه واز سمت راست به فاصله يك ماه واز سمت چپ نیز به فاصله يك ماه در حرکت است. (۴)

از این روایات استفاده می شودکه وقتی حضرت جایی را قصدکند، دشمن پیشاپیش دچار ترس و وحشت شده، توان رویارویی در برابر سپاهیان حضرت را از دست می دهد.

ربا

در اخبار آخرالزمان آمده است:

درآن زمان ربا شایع می شود. (۱)

زمانی پیش می آید که احدی یافت نمی شود جز این که به ربا آلوده می گردد ، **اگر مستقیما هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد.** (۲)

هیچ قومی نیست که ربا در میان آن ها شایع شود، جز این که دچار غفلت و بی خبری می شوند. (۳)

درآن زمان ربا را به نام داد و ستد، حلال می پندارند. (۴)

پی نوشتها:

- ۱.کنز العمال ج۱۴، ص ۵۸۴
- ۲.امالی ج ۲ ص ۱۵۶ ، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲
- ۳.بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۶
- ۴.همان ص ۳۶۱.
- ۵.بشارة الا سلام ص ۲۶۰
۶. نهج الفصاحه ج ۲ ص ۵۰۰
۷. نهج الفصاحه ج ۲ ص ۵۷۷ الزام الناصب ص ۱۸۲
۸. روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۰۷.

زاممداران آخر الزمان

در وصف زمامداران آخرالزمان، نکات قابل تأملی در روایات آمده است.

رسول خدا(ص) می فرماید:

دو صنف از امت من هستند که اگر آن ها اصلاح شوند مردمان اصلاح می شوند، و اگر آن ها فاسد باشند مردمان فاسد می شوند :

آن ها دانشمندان و زمامداران هستند. (۱)

عباراتی که در روایات درباره زمامداران آخرالزمان آمده، چنین است :

بلای سختی از ناحیه زمامداران بر امت من وارد می شود(۲)

زاممداران شما، بدترین شما هستند (۳)

زاممداران شما، ستم پیشه اند (۴)

زاممداران برای آزمندی خویش، خائنان را برسرکار می آورند. (۵)

در باب زمامداری در آخرالزمان نیز آمده که:

زمامداری چند ساله از بین می رود و زمامداری چند ماهه و چند روزه معمول می گردد. (۶)

پی نوشتها :

۱. غیبة طوسی ص ۲۷۷.
۲. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۲۰ الزام الناصب، ص ۱۸۵.
۳. کشف الغمه ج ۳، ص ۲۷۲
۴. نهج الفصاحه ج ۲ ص ۳۹۳ تحف العقول ص ۴۲.
۵. بشارة الاسلام ص ۲۸ و ۳۱.
۶. غیبة طوسی، ص ۲۷۱ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۱۰

عاق والدین

از جمله گرفتاری های مردم آخرالزمان، عاق والدین شدن است.

فرزندان به سبب **بی حرمتی بر پدر و مادر** و سبک شمردن حق آنان، دچار نفرین پدر و مادر می شوند (۱)

و روایات، عاق والدین را به سبب همکاری مردم در :

کارهای ناشایست، دوری جستن از احکام مذهبی، دوست داشتن همدیگر به جهت دروغ و قهرکردن از یکدیگر به جهت راستگویی می دانند(۲)

امام صادق (ع) در اوضاع اهل آخرالزمان می فرماید...

عاق والدین شدن علنی شده، پدر و مادر در پیش فرزندان خوار شمرده می شوند و از دیدگاه فرزند، پست تر از هر فرد دیگر به شمار می آیند.....

و چنین زمانی از خشم خدا بترس و از خدای تبارک و تعالی نجات بطلب. (۳)

هرج و مرج

فتنه و آشوب و گسیختگی اجتماع را گویند.

در روایات، از آن به یکی از آفت های دوران آخرالزمان یاد شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود :

در آینده، روزگاری به شما روی می آورد که جهل و نادانی در آن فرود می آید و علم و دانش از آن رخت بر می بندد ،

و هرج و مرج در آن فراوان می گردد.عرض شد : یا رسول الله چگونه هرج و مرج پدید می آید؟ فرمود : کشتار(۴)

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده که :

زمانی پیش از قیامت، هرج و مرج پیش خواهد آمد. عرض شد: چگونه هرج و مرجی؟ فرمود :

کشتار، نه کشتارکفار، بلکه همین امت به جان یکدیگر می افتند تا جایی که برادر، برادر خود را بکشد. عقول مردم در آن زمان گرفته می شود(۵).

پی نوشتها :

۱. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵۹ منتخب الاثر ص ۴۳۱.

۲. منتخب الاثر ص ۴۳۷ الزام الناصب ص ۸۲ نهج الفصاحه ج ۲ ص ۹۱.

آخر الزمان و امام مهدی (عج)

محمد دشتی

ظهور موعود الهی و منجی بشر متضمن دو عنصر اساسی و به هم پیوسته است: زمان دوران این تحول در رویداد جهانی (آخر الزمان) و وجود شخص منجی و متکفل این امر عظیم (امام مهدی، علیه السلام). «آخر الزمان» اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت. در فرهنگ اسلامی، آخر الزمان هم دوران نبوت پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، تا وقوع قیامت را شامل می‌شود و هم دوران غیبت و ظهور مهدی موعود، علیه السلام، را. در دوران معاصر، عده‌ای از مفسران و متفکران مسلمان از قبیل: مرحوم علامه طباطبایی، استاد شهید مرتضی مطهری، سید قطب، محمد رشیدرضا، شهید سید محمدباقر صدر و... با اتکا به آیاتی از قرآن کریم (اعراف: ۱۲۸، انبیاء: ۱۰۵، صافات: ۱۷۱ و ۱۷۲) استخلاف انسان در زمین، فرمانروا شدن نیکوکاران زمین (وراثت صالحان) و پیروزی حق بر باطل را به‌رغم جولان دائمی باطل به عنوان سرنوشت آینده بشر مطرح کرده‌اند و آیات و روایات مربوط به تحولات آخر الزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ می‌دانند و به اعتقاد ایشان، عصر آخر الزمان عبارت است از دوران شکوفایی تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان، چنین آینده‌ای امری است محتوم که مسلمانان باید انتظار آن را داشته باشند و نباید منفعل و دلسرد به «حوادث واقعه» بنگرند، بلکه با حالتی پر نشاط و خواهان صلاح

جامعه انسانی و آگاه از تحقق اهداف تاریخی انتظار، باید سرشار از امید، آمادگی و کوشش در خور این انتظار مقدس باشند. در چارچوب این برداشت، آخرالزمان قطعه معینی از تاریخ نوع انسان است که او باید در آن حرکت تکاملی تدریجی خود را تا تحقق وعده الهی ادامه دهد. (۱) در حالیکه در کتب علمای متقدم همچون «کمال‌الدین» شیخ صدوق و «کتاب‌الغیبه» شیخ طوسی، رحمة‌الله‌علیه، چنین تفسیری از تاریخ نبوده و تحولات آخرالزمان امری است غیر عادی که در آخرین بخش از زندگی نوع انسان واقع می‌گردد و به تحولات قبلی جامعه انسانی مربوط نمی‌شود. (۲)

در نظر متاخران بینا بودن در مورد «نشانه‌های زمان» و ارزیابی رخدادها، در پرتو پیشگوییهای آخرالزمانی که در جامعه جریان دارد، ضروری است. کما اینکه بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که جامعه انسانی اینک در آخرین مرحله غفلت از «ذات» و در اوج تحمل «جوهر مادی» و «کمیت منطوی در کثرت» قرار دارد، و معتقدند هر چه بشر پیشتر می‌رود؛ درک جمعی او از خیر و عدل مطلق مفهوم‌تر و شفاف‌تر می‌گردد. شناخت «آخرالزمان» یا فرجام‌شناسی (Eschatologie) در ادیان یهود، مسیحیت و زرتشتی نیز حائز اهمیت است. با عنایت‌به آنچه بیان شد، «آخرالزمان» پایان همه چیز نیست، بلکه ترمیم جهان است. گویی جهان ناگهان تعادل خود را باز می‌یابد و به حالت اولیه باز می‌گردد. همه آشفتگیهای ممکن اوجش در آخرالزمان است فقط در صورتی آشفتگی مطلق است که فی نفسه و با دیدی افتراقی ملاحظه شود. ولی چنانچه این بی‌نظمیها در قبال نظم کل که سرانجام همگی به آن باز می‌گردند، قرار گیرد جنبه منفی خود را از دست می‌دهد و جزو عوامل مقوم و به يك معنی فانی در مرحله ظهور می‌شود. به تعبیر «رنه گنون» در کتاب «آخرالزمان یا عصر سیطره کمیت» دوران دجال نهایت ظلم و شر است، ولی امر شر و منحوس ناپایدار و موقت

است - هر چند که نمی‌توانست جز آنچه واقعا هست چیز دیگری باشد - و فقط جنبه خیر و سعادت که پایایی و قطعیت دارد و به سامان می‌رسد، به قسمی که محال است سرانجام غالب نشود.

نگاهی به دردها و آلام بشر اندیشمند امروز و غربت او در زوال فطرت پاک آدمی چنین می‌نمایند که در میان همه خواسته‌های ضد و نقیضش، امروز یکی هست که همه در آن مشترکند. همه اقوام و ملل و رژیم‌های سیاسی یکصدا خواهان «آزادی» اند. آزادی برابر با حضور ضرورت حقیقت در وجود آدمی. «آزادی» ای که جوهر انسان مختار است و امکان عروج او را فراهم می‌آورد. آزادی رهایی بخش (۴)

و مقوم اندیشه و حکمت. رهایی انسانی که می‌خواهد خودش باشد، رها از گناه و رها از شرارت. آزادی اصیل و واقعی که نهفته در اطاعت حق است. از این رو دستیابی به سعادت به معنای دستیابی به رحمت و عدالتی است که خداوند آن را مقرر کرده است.

زندگی در جهانی متعالی است که در آن آدمی به کمال حقیقی و واقعی‌اش برسد، و از اندوه و اضطراب پنهان (anxiety) که می‌داند نمی‌تواند امنیت حقیقی را با سازمان دادن به زندگی شخصی و اجتماعی به دست آورد. وقایع و مقدراتی وجود دارند که آدمی نمی‌تواند آنها را در زیر قدرت خود بگیرد. نمی‌تواند کارهای خود را دوام بخشد، زندگی‌اش زودگذر است و فرجام آن مرگ. هیچگونه امنیت متأثر از اراده بشر وجود ندارد و دقیقا همین نگرانی اصیل است که باعث می‌شود انسانها با تمام وجود در آرزوی امنیت باشند. (۵)

چرا امروز که فن آوری و توانایی بشر نسبت به قرون گذشته و دهه‌های قبل پیشرفت چشمگیر و غیر قابل مقایسه‌ای نموده است و مباحثی همچون دموکراسی، قانون، حقوق بشر، جامعه مدنی و... بمراتب بیش از گذشته با ابتدای به تحلیلها و فلسفه‌های گوناگون مطرح می‌شود، با این همه در غرب پیشرفته و فرهیخته سخن از هبوط آدمی، ظهور نیست

انگاری و بلایا و مصائب جهانی، سر در گمی بی پایان آدمی در ساختار و دستور زبان و واژه‌های کلامی، مجهول انگاری جهان، پیچیدگی روزافزون شناخت هستی و دور از دسترس شدن تدریجی آن، افزایش مستمر تراژدی بشری، حاکمیت روز افزون عقلانیت ابزاری، از دست رفتن آخرین رمق حیات معنوی جهان و تبدیل شدن انسان به توده‌ها (Mass)، عصر غیبت‌ساحت قدس و فرا رسیدن زمانه شب عالم و... می‌شود؟

آیا در نظم کنونی ارباب و رعیتی مدرن! شوریدگی اندیشه بشری و تلاطم بی وقفه روان او، در بازار پر ازدحام مکاتب فلسفی، روانشناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و... و افزایش سهمگین میل به قدرت و استیلای بر دیگران و تعارضات و مناقشات بی معنا و... و نهایتاً سرخوردگی از همه چیز، رو به فزونی نیست؟

شاید تصور شود که مقصود از ظهور حضرت مهدی، علیه‌السلام، پایان همه این آلام در طرفه العین و به يك نگاه و اشاره ایشان است. این البته از توان ایشان به دور نیست؛ اما شاید تحقق امر صورت دیگری نیز داشته باشد. اگر گفته می‌شود که بسیاری از ابواب علم تا کنون گشوده نشده و به دست امام موعود باز خواهد شد؛ گشایش این ابواب چه منظری را پیش روی آدمی می‌نهد؟ گسترش «ظهور ولایت» در سراسر جهان و استقرار یکپارچه و فراگیر آن چه آثار و برکاتی دارد؟

چه تغییر و تحولی در افکار و اندیشه‌ها و کنشها و واکنشهای فردی و اجتماعی انسان عصر ظهور پیش خواهد آمد؟

آیا در روزگار «ظهور ولایت» نمی‌توانیم شاهد درمان اساسی روان آدمی و اعطای «آزادی»، «امنیت» و «آرامش» واقعی باشیم؟

آیا نمی‌توان تصور نمود که مغز شیرین «ایمان» و کنه عفن «گناه» برملا می‌گردد و هم او، مفاهیم متعالی «زیبایی»، «زندگی» و حتی «اسلام» را نه در قالب الفاظی چند، بلکه با غوطه‌وری در عمق و ذات آنها تبیین می‌کند و شاهد «حیات طیبه» را در کام تشنه انسانها فرو می‌چکاند و عصر روشنایی را آغاز کرده، سر در گمی او را پایان بخشیده و آغازگر عصر

ظهور ساحت قدس و تعالی انسان متکی به ایمان - و نه بی اختیار در امواج توده‌ها و مسیطر بر عقلانیت ابزاری و نه محکوم آن - خواهد بود؟ درباره حضرت مهدی، علیه‌السلام، کتابهای فراوانی در میان مسلمانان نگاشته شده که در برگیرنده موضوعات ذیل‌اند:

آیات و احادیث مربوط به ابعاد مختلف زندگی حضرت، اثبات وجود آن حضرت، بشارات ادیان، ولادت، غیبت، طول عمر، نواب اربعه، راه یافتگان به حضور ایشان، توقیعات مبارکه، ضرورت شناخت ایشان، فلسفه مهدویت، ملاحم و فتن، علائم ظهور، وظایف منتظران، اصحاب و یاران، عصر ظهور، رجعت، ادعیه و نحوه توسل به آن حضرت، اشعار درباره امام عصر (ع) و... اما تردیدی نیست که بیشترین و دقیق‌ترین سهم به مؤلفان شیعی اختصاص دارد که با اتکا به معارف اهل بیت، علیهم‌السلام، جزئیات بیشتری را درباره این موعود عظیم و دوران ایشان ارایه می‌نماید.

و اما اینک که در مرحله تحولات وسیع و پیچیده‌ای در سراسر جهان در پرتو نهضتی مبتنی بر انتظار شیعی قرار داریم، سنجش وضعیت و موقعیت، ضرورت‌های دیگری را نیز ایجاب می‌کند. زیرا به تشریح نظری، جامعه شناسی و فلسفی موضوع نیازمندیم، هم به صیوروت اعتقاد به مهدویت در میان ادیان الهی و تذکر بر تحریف و غفلتی که صورت گرفته است و به تعبیر قرآنی، «یعرفونه كما یعرفون ابنائهم» (V)

، و هم تبیین ضرورت شناخت و بیان مشخصات دقیق امام، علیه‌السلام، و برنامه‌های ایشان و بویژه ارایه ترکیبی از انتظار ظهور با سرنوشت‌بشر زمان غیبت در فرایند عملکرد اجتماعی امروز. باید توجه داشت در این جایگاه بسیار مهم و حساس، باید از راه ترکیب داده‌ها به نحو صحیح و خردورزانه و با پیراستن آن از خرافات و اوهام و قشری‌گری، همراه رویکردی عمیق به اصل مظلوم «ولایت» و بویژه درک درست از «غیبت ولی خدا» و اثرات آن در زندگی فردی و اجتماعی، مجموعه‌ای را فراهم آورد که ضمن عرضه مناسب معارف قرآنی و تعالیم و سنت اهل بیت، علیهم‌السلام، ظرافتها و نحوه حفظ ایمان در دوره آخرالزمان و غیبت را نیز

مشهود سازد.

کتاب «امام مهدی، علیه‌السلام، از ولادت تا ظهور» با هدف معرفی این وجود عالیقدر به خامه استوار دانشمند فقید و محقق بزرگوار، مرحوم سید محمدکاظم قزوینی در ۲۴ فصل به شیوه‌ای تحقیقی و پر احساس به عربی نگاشته شده و توسط مترجم محترم آقای دکتر «حسین فریدونی» به فارسی برگردانده شده است.

کتاب مزبور که از تبویب مناسبی برخوردار است مطالب ارزنده‌ای درباره نام و نسبت حضرت مهدی، علیه‌السلام، بشارت به وجود مقدس ایشان، تولد و نهران زیستی کوتاه مدت و نایبان چهارگانه و دیدارکنندگان ایشان در آن ایام، بیت‌بلندمدت و دیدار کنندگان حضرتش در این ایام، طول عمر و علائم ظهور آن وجود مقدس، متمه‌دیان، نحوه ظهور و استیلاي ایشان بر قدرتهای روزگار ظهور، جامعه عصر ظهور، زمامداری و پایان عمر مبارکشان را به خوانندگان ارایه می‌نماید.

کتاب با استفاده از تجربیات کتب قبلی، از منابع ارزنده و دست اولی برخوردار است و به همت ناشر محترم و ذوق و سلیقه وافر ایشان به نحو آراسته و پاکیزه‌ای حروف نگاری و صفحه آرایی شده و با فهرستهای متعدد تکمیل گردیده است.

از جمله خصوصیات کتاب و روش مؤلف چنین است که تقریباً اکثر احادیث و اخبار مربوط به حضرت مهدی، علیه‌السلام، را آورده و سپس آنها را تحلیل و بعضاً تاویل و تفسیر می‌کند. اما کمتر حدیثی را از حیث رجال سند مورد بررسی قرار می‌دهد. هر چند که اتکا بر اخبار، روش اصلی مؤلف محترم است اما نکته در خور توجه آن که در همین چارچوب نیز سعی بر ارایه منطقی روایت و یا تاویل عقلانی آن می‌نماید. در بخش «زندگی جامعه در عصر ظهور» مباحثی مطرح شده است (۸)

که بعضاً از پشتوانه روایی و استدلالی محکم و روشنی برخوردار نیست و بیشتر نظر مؤلف محترم در قالب اما باید توجه داشت علاوه بر آنکه اعتبار و سندیت برخی از این روایات قابل تامل است، به تعبیر برخی بزرگان،

بسیاری از «رسث/» ح.تسا هدش نایب ،مراسلاه یلع ،نامز ماما روهظ
مربلاع ه نیمز رد تایاور ی خرب رب اکتا اب ی دنچ بلاطم روهظ ی ا هه ناشن
لصف رد ح (> ح ٨) شرایط و یا علایم ظهور قطعی نیست و بدایی و
تغییر یافتنی است. زیرا چه بسا، مردم با توجه به این شرایط خود را در
زمان امکان ظهور احساس نکنند در حالیکه توجه مستمر به امام،
علیه السلام، و درخواست ظهور ایشان به هیچ وجه نباید محدود به
شرایط و اوضاع خاص باشد. این امری است که تنها به اراده خدای یکتا
بستگی دارد و لذا باید تحقق آن را از مشیت الهی بی آنکه مانعی در کار
باشد، درخواست نمود. از مهمترین مباحث درباره امام عصر، علیه السلام،
بعد از شناخت آن حضرت، آشنایی با تعهدات و وظایفی است که در قبال
ایشان داریم. این تعهد و عمل به آن در عنوان «انتظار» خلاصه می شود و
درک و تحلیل عمیق آن، بویژه شناخت دوران غیبت - که خود ابتلایی بزرگ
برای بشر بوده است - برای هر مؤمنی ضرورت دارد. اما به نظر می رسد
که موضوع اساسی و مهم «انتظار». بیان وظایف مسلمانان در عصر غیبت
از جمله مباحث ناگفته این کتاب است. بر این نکته باید فقدان بحث مهم
«ضرورت شناخت مهدی، علیه السلام» در اوایل کتاب و موضوع «توقیعات
مبارکه امام» را نیز بیفزاییم.

به هر حال، در مجموع کتاب از روح و طراوت ویژه ای برخوردار است که
قطعا برخاسته از شیفتگی مؤلف و مترجم محترم به ساحت مقدس امام
عصر، علیه السلام، است. بدین سبب مطالعه کتاب مزبور برای طالبان
معرفت امام غایب، قطعا مفید و سودمند است همانند اثر دیگر مرحوم
سید محمدکاظم قزوینی درباره زندگی حضرت فاطمه زهرا،
سلام الله علیها، و شهادت آن بزرگوار به ترجمه همین مترجم محترم قرین
معنویت و عرض ارادت به ساحت قدس صمت خواهد بود.

او خواهد آمد ...

(در انتظار دولت کریمه ، از پشت ابرهای غیبت)

اعتقاد به ظهور فردی که آینده جهان را اصلاح و انسان‌ها را از قید و بند ظلم و ستم برهاند، مخصوص شیعیان و یا مسلمانان نیست.

بلکه همه ادیان الهی معتقدند که وقتی جهان را تاریکی جهل و ستم فرا گرفت، انسان‌ها تشنه ظهور شخصی خواهند شد که آنان را از ستم‌ها برهاند و عدل و قسط را در جهان حاکم خواهد کرد. این مطلب در کتاب‌های مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان، هندویان به چشم می‌خورد. البته با وجود نقاط اشتراکی که در اصل این قضیه به چشم می‌خورد، نمی‌توان از نقاط اختلافی که در شخص قیام کننده، زمان قیام و ظهور و دیگر فرعیات در منابع گوناگون وجود دارد، چشم پوشی نمود. این اختلاف نظر حتی در بین فرقه‌های مختلف اسلامی نیز به چشم می‌خورد.

موانع قیام آن حضرت و مخالفان نهضت آن بزرگوار کدامند؟ حکومت حضرتش چه ویژگی‌هایی دارد؟ مدت زمان حکومت آن بزرگوار چند سال است؟ رجعت به چه معناست؟ سرانجام آن حجت الهی چگونه رقم می‌خورد؟

این‌ها و سؤالاتی از این دست، موضوع کتاب‌ها و مقالات متعددی است که پرداختن به آنها مجال وسیع دیگری می‌طلبد. در این نوشتار به يك موضوع اشاره می‌کنیم و آن عبارت است از: «مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج)» .

تحقق اسلام واقعی

از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت حضرت ولی عصر(عج)، تحقق اسلام واقعی است. این نکته در روایت متعددی بیان شده است. رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: « دوازدهمی از فرزندانم به طوری غایب می‌شود که اصلاً دیده نمی‌شود. زمانی خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز اثری باقی نمی‌ماند . در آن هنگام، خدا به وی اجازه نهضت می‌دهد و به وسیله او اسلام را تقویت نموده، تجدیدش می‌کند. (۱)

همچنین از امام صادق(ع) نقل شده است: « وقتی قائم قیام کرد به سیره رسول خدا صلی الله علیه وآله قیام می‌کند، لیکن آثار محمد صلی الله علیه وآله را تفسیر و بیان می‌کند. (۲) همچنین در روایتی از امام صادق (ع) دلیل نامیدن حضرت مهدی به این اسم، بدان خاطر است که وی مردم را به چیزی که از آن دور افتاده‌اند، هدایت می‌کند .

در دعای ندبه نیز آرزوی ظهورش را می‌کنیم به این عنوان که: «کجاست ذخیره‌ای که فرائض و سنت‌ها را تجدید می‌کند و آیین و شریعت را به مسیر اصلی خود برمی‌گرداند و کتاب و حدود الهی را زنده می‌گرداند ... ؟ (۳)

این مطلب در دعا‌های دیگری از جمله در دعای عهد مورد اشاره قرار گرفته است .

تحقق اسلام واقعی به دست پر توان حضرت مهدی از يك سو بیانگر میزان انحراف اسلام از واقعیت‌های اصیل این

دین الهی در عصر غیبت کبراست و از طرف دیگر، گویای توانمندی حضرت ولی عصر در تحقق اسلام ناب محمدی می‌باشد .

بدیهی است این مهم بدون صرف هزینه به دست نمی‌آید. فداکاری یاران پولادین حضرتش، یاری از سوی فرشتگان که ماموران الهی‌اند و طبعاً پس از ثبات قدم مشمول آن خواهند شد؛ و نیز رعب و وحشتی که در دل دشمنان از این بابت‌ها حاصل می‌شود، مهم‌ترین ابزارهای جنگی آن بزرگوار و سپاهیان استوارتر از کوه آن حضرت می‌باشند؛ زیرا سنت الهی بر این قرار گرفته که نهضت آن بزرگوار پس از نبردها و تلاش‌ها و استقامت یاران به نتیجه برسد، نه براساس معجزه و صرفاً نصرت و یاری خداوند. چنان که نهضت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همین اساس و پایه شکل گرفت.

گسترش عدالت

ابتدایی‌ترین پیام حاکمیت حضرت مهدی(ع) اندیشه‌ای است مبتنی بر بسط و گسترش عدالت با تمام زوایای آن . به عبارت دیگر با شنیدن حکومت حضرت مهدی (عج) ناخودآگاه چارچوب حکومتی در اندیشه ما شکل می‌گیرد که عدالت و دادگستری مشخصه آن می‌باشد. گسترش عدالت از سوی حضرت مهدی و مبارزه با ظلم و ستم (که طبعاً بدون این مبارزه تحقق عدالت ممکن نیست) در روایات گوناگون مورد اشاره قرار گرفته است:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: « دنیا سیر نمی‌شود تا این که مردی از اولاد حسین امور امت مرا در دست گیرد و دنیا را پر از عدل و داد کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.»

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «مردی از اهل بیت من بیرون می‌آید که اسمش، اسم من؛ و خُلقش، خلق من است. پس زمین را از عدل و قسط پر می‌سازد چنان که از ستم و جور پر شده باشد.» (۴)

در دعاهای مربوط به حضرت مهدی که در کتاب‌های ادعیه به خواندن آنها سفارش شده است، این ویژگی از حکومت آن حضرت نوید بخش دل منتظران است .

در دعای موسوم به استغاثه به حضرت صاحب الزمان (عج) آمده است: « شهادت می‌دهم که امام و رهبر در گفتار و کردار هستی و تو آنی که زمین را از داد و عدل پُر می‌سازی، پس از آن که از ستم و بیداد پر شده باشد ...» (۵)

در دیگر دعاها نیز این ویژگی به عنوان صفت جدا نشدنی از حکومت آن حجت الهی عنوان شده است. اصولاً وعده الهی مبنی بر حاکمیت مستضعفان که در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است، نمی‌تواند بدون گسترش عدالت تحقق یابد. (۶)

توجه به این نکته مهم نیز ضروری است که وقتی سخن از عدالت در حکومت حضرت مهدی (عج) به میان می‌آید، در ابتدا عدالت اجتماعی و عدالت در توزیع امکانات مادی به ذهن می‌رسد. اگر چه این مهم، یکی از مصادیق عدالتی است که به دست پر توان حضرت ولی عصر(عج) تحقق می‌یابد، اما همه عدالت به این مصادیق منحصر نمی‌گردد.

عدالت و عدل هر گاه در معنای لغوی آن در نظر گرفته شود (۷) مفهومی بسیار پر دامنه پیدا می‌کند و پیش از آن که در عرصه جامعه عینیت یابد، درون شخص را فرا می‌گیرد. به عبارت دیگر، عدالت پیش از آن که مفهومی اجتماعی و سیاسی داشته باشد، مفهومی شخصی و اخلاقی دارد. از نقطه نظر علمای اخلاق، کسی که بین

قوای زمینی و ملکوتی خود توازن و تعادل ایجاد می‌کند، عدالت را در مملکت وجودی خود مستقر کرده است . چنین شخصی از افراط و تفریط در ارضای خواسته‌های شخصی و نفسانی و از افراط و تفریط در عبادات و مناسک پرهیز می‌کند .

در حاکمیت حضرت مهدی عدالت نه تنها ابعاد اجتماعی و نهادهای حکومتی را رنگ و رونق خواهد داد، بلکه پیش و یا همزمان با آن وجود فردی اشخاص را زینت می‌بخشد و همین امر مهم‌ترین ضمانت اجرایی عدالت در صحنه جامعه خواهد بود .

به عبارت دیگر، از آن جا که آحاد جامعه در حکومت حضرت مهدی، از عدالت درونی بهره‌مند می‌شوند، عدالت بیرونی دستخوش تعرض هوس‌های درونی افراد قرار نمی‌گیرد، زیرا عدالت درونی، لگام و مهار بر هواهای نفسانی است و اصولاً هر گاه حکومت‌های دنیا بتوانند درون افراد را از لجام گسیختگی و هزیه‌گی باز دارند، عدالت اجتماعی در معرض هجوم خواسته‌های نفسانی قرار نمی‌گیرد . اما از آن جا که تمام هم و غم حکومت‌ها به این امر مهم اختصاص نمی‌یابد و یا تلاش چندانی در این زمینه صورت نمی‌گیرد، لاجرم عدالت اجتماعی در معرض حمله هوا و هوس افراد قرار گرفته، حتی نیروهای انسانی‌ای که پاسداری از عدالت اجتماعی برعهده آنهاست، در شرایطی خود متعرض عدالت بیرونی و عدالت اجتماعی خواهند شد . بر این اساس، حکومت حضرت مهدی از عدالتی پایدار و تضمین شده برخوردار خواهد شد، که پاسداری از آن نه تنها برعهده عدالت درونی است بلکه از طریق نهادهای دادرسی و کیفری نیز محافظت می‌گردد .

روایاتی که در خصوص داوری و قضاوت آن حضرت وارد شده، بیانگر این نکته است که عدالت اجتماعی در عصر آن حضرت نه تنها از طریق عدالت درونی افراد، بلکه از طریق نهادهای قضایی که جزیی از حکومت آن حضرت هستند، پاسداری می‌شود.

گسترش علم و دانش

از دیگر ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج)، گسترش علم و دانش است . این مهم علاوه بر این که در روایات مورد اشاره قرار گرفته، متکی بر يك اصل عقلی است . زیرا هر گاه حکومتی توانست اسلام را که آموزه‌های آن منطبق بر فطرت الهی است محقق سازد و عدالت فردی و اجتماعی را زینت بخش حاکمیت خود قرار دهد، آن وقت توان و استعداد مردم به جای این که صرف هزینه‌گی و منفعت طلبی نفسانی گردد، صرف کسب علم و دانش می‌گردد. علاوه بر این، برکات علم و دانش بر چنین جامعه‌ای که زمامدار آن حجت خداوند است سرازیر خواهد گردید و جامعه از چنان مرتبه علم و دانش بهره‌مند می‌گردد که هرگز تاریخ بشر نمونه آن را به خود ندیده است.

در این خصوص امام صادق (ع) می‌فرماید: «علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده، اما تاکنون بیش از دو قسمت آن در دسترس بشر قرار گرفته است. وقتی قائم ما قیام نمود، بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می‌کند و در بین بشر پخش می‌نماید.» (۸)

نزول برکات آسمان

در حکومت حضرت مهدی (عج)، به دلیل رعایت تقوای الهی از سوی مردم، آسمان و زمین درهای برکات خود را می‌گشایند و نعمت‌های الهی اعم از مادی و معنوی، اهل زمین را سیراب می‌سازد. (۹)

در روایتی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «مهدی موعود از فرزندان و اهل بیت من، در آخرالزمان خارج می‌شود. آسمان بارانش را برای او نازل می‌سازد و زمین گیاهانش را برای او خارج می‌کند. زمین را از عدل و داد پُر می‌کند، چنان که مردم آن را پر از ظلم و جور نموده‌اند.» (۱۰)

نتیجه چنین برکات و دستاورد چنان عدالتی از بین رفتن فاصله طبقاتی و محو فقر و استضعاف است. چنان که امام صادق (ع) فرمودند: «... در این هنگام زمین، گنج‌های خود را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد...» (۱۱)

تکامل اندیشه‌ها

برکات آسمانی و زمینی، که شامل حال مردم در عصر ظهور می‌گردد، منحصر به برکات مادی (باران و معادن و مواردی از این دست) نیست. برکات معنوی، از جمله تکمیل شدن اندیشه‌ها و عقول، مصداق روشن برکاتی است که در زمان حضرت مهدی اهل عالم را در بر می‌گیرد و این نیست مگر به دلیل وجود مقدس حضرت مهدی (عج) .

روایتی از امام باقر(ع) در این خصوص می‌فرماید: « وقتی قائم ما قیام نمود، خدا دست لطفش را بر سر بندگان می‌نهد و حواسشان را جمع و عقولشان را کامل می‌گرداند.» (۱۲)

ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی به موارد ذکر شده منحصر نمی‌گردد. همان طور که گفته شد، این‌ها مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت آن حجت پروردگار است، البته سایر ویژگی‌ها و شاخص‌های حکومت آن بزرگوار در قالب ویژگی‌هایی که گفته شد، قابل بررسی و جست و جو می‌باشند.

به این نکته نیز باید توجه کرد که رسیدن به چنین حکومتی با این ویژگی‌ها، از طریق معجزه و بدون زحمت به دست نمی‌آید؛ همان طور که تلاش و مجاهدت‌های یاران آن حضرت، بدون نصرت و تأیید الهی ره به جایی نخواهد برد که این سنت الهی است: «ان تنصر الله ينصرکم و یثبت اقدامکم...»

در پایان، این نوشتار را به جملاتی از دعای عهد زینت می‌دهیم :

«... خداوندا مرا از یاران و کمک رسانان به آن حضرت و از دفاع کنندگان از آن بزرگوار و از کسانی که [برای یاری اش] می‌شتابند ... و از شهید شونندگان در راه حضرتش قرار بده! ...»

پی‌نوشت ها:

۱ - ۲ . دادگستر جهان، ابراهیم امینی، صص ۲۲۳- ۲۲۴ .

۳ . ابن المدخر لتجدید الفرائض و السنن، این ...

۴ . سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، ص ۶۳ .

۵ . اشهد انک الامام المهدی قولا و فعلا و انت الذی تملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا.

۶ . سوره قصص/ ۵ .

۷ . قرار دادن هر چیز در جای خود (وضع کل شیء فی موضعه)

- ۸ . دادگستر جهان، ص ۲۲۰ .
- ۹ . سیمای آفتاب، ص ۴۲۵ .
- ۱۰ . دادگستر جهان، ص ۲۳ .
- ۱۱ . سیمای آفتاب، ص ۴۲۶ .
- ۱۲ . دادگستر جهان، ص ۳۱۳ .

بسم رب المهدي المنتظر

امام عصر علیه السلام :



“انا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم لولا ذلك لنزل بكم الاواء واصطلمتكم الاعداء”
 “بدرستیکه ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را فراموش نمی کنیم که اگر
 اینگونه نبود بلایا بر شما نازل میشد و دشمنان بر شما چیره می شدند.”



العجل العجل يا مولاي يا صاحب الزمان

انتظار

نشسته ام سر ره تا که یار باز آید

خزان شدم که دوباره بهار باز آید

ستاره های شب تیرگی نوید آرند

که ماه مردم چشم انتظار باز آید

بلاله های زخون شسته میخورم سوگند

که باغبان سوی این لاله زار باز آید

کویر تشنه شد این بوستان منتظر است

که ابر رحمت پروردگار باز آید

چو نخل خشک گرفتم هزار دست دعا

کز آن بهار مرا برگ و بار باز آید

به اشک مخفی شب زنده دارها سوگند

که صبح خیزد و آن روزگار باز آید

بسان سایه شدم گوشه گیر و منتظرم

که آفتاب من از کوهسار باز آید

زخون دل همه شب دیده را نگاه کنم

مگر بخانه خود آن نگار باز آید

قرار داده ام از دست و میدهم جان هم

اگر قرار دل بی قرار باز آید

از آن نباخته ام جان ز دوریش که مباد

بزحمت افتد و سوی مزار باز آید

زاشک چشمه چشم از آن سبب خشکید

که خون بدامن این جویبار باز آید

به سوی کلبه یعقوب مزده بر شیعه

که روشنائی آن چشم تار باز آید

التماس دعا

والسلام. /